

# ایران و مطبوعات جهان

روزنامه "لوموند" در ۷ اوت ۸۱ (۶ مرداد ۶۰) از قول دفترکارخانه ای اتومبیل سازی "رنو" در پاریس می نویسد که:

"شرکت (( دولتی فرانسوی )) از روابط موجود بین این شرکت و جمهوری اسلامی، اظهار خرسندی می کند. گفته می شود کسبه ۷۰ درصد وسایل "رنو" که در تهران مونتاژ می گردد، از فرانسه فرستاده می شود و دولت ایران بلافاصله قیمت آنرا نقدا پرداخت می کند. این ماشین ها در ایران بسیار خوب به فروش میرود و مسئولان دفتر "رنو" در پاریس اضافه کرده اند که: "در آینده قادر خواهیم بود که بیشتر از اینها بفروشیم"

روزنامه "لیبراسیون" در ۷ اوت ۸۱ می نویسد:

"نماینده یکی از شرکتهای فرانسوی که مدت ۶ سال در ایران می زیست در چند ماه پیش به فرانسه بازگشت و اخیرا کتابی انتشار داده است تحت عنوان "ایران آخوندها". او ضمن مباحثه ای با کانال اول تلویزیون فرانسه گفته است: بعد از انقلاب، علی رغم بحرانها و مسائلی که در داخل کشور وجود داشت، فرانسویان در محیطی مساعد زندگی میکردند و توانستند به فعالیت های خود بطور عادی ادامه دهند. با توجه به جوی که بعد از انقلاب نسبت به فرانسویان وجود داشت تعسداً دایز فرانسویان در ایران باقی ماندند تا از منافع موسسات فرانسوی و کشور دفاع کنند. و تعدادی از شرکتهای فرانسوی (بویژه شرکتهایی که در زمینه مواد غذایی فعالیت می کنند) در دوره بعد از انقلاب

سود سرشاری بدست آورده اند. بعد از انقلاب، احتیاج ایران به واردات بویژه در زمینه مواد غذایی بسیار بیشتر از قبل از انقلاب بود. بعنوان نمونه باید گفت که میزان صادرات فرانسه به جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۰ به سه میلیارد فرانک بالغ شد و در نتیجه، بصورت اولین کشور صادر کننده به ایران درآمد، در حالی که قبل از انقلاب، فرانسه مقام پنجم را داشت. در سال ۱۹۸۰ درآمد شرکتی که من نماینده آن بودم نسبت به قبل از انقلاب، بسیار افزایش یافت."

روزنامه لوماتن در ۷ اوت ۸۱ نوشت: "درست است که بلافاصله پس از سقوط حکومت شاه، حجم مبادلات تجاری ذو کشور به پائین ترین حد ممکن رسید، ولی در جریان سال گذشته (۱۹۸۰) بطور روزافزونی گسترش یافت بویژه در دو رشته مواد غذایی و دارویی. در سال ۱۹۸۰، مجموع صادرات فرانسه به ایران به سه میلیارد فرانک رسید یعنی در مقام مقایسه با ۱۹۷۹، در حدود ۹۰ درصد افزایش یافت. خسارات بخشی از قراردادهای ایران و فرانسه که پس از انقلاب توسط دولت ایران لغو شده بود، توسط ایران جبران شد."

سرژ ژولی، مدیر روزنامه لیبراسیون صاحب مفصلی با بنی صدر بختل آورد که در شماره ۶ اوت ۸۱ روزنامه بجا رسید، در زیر چند عبارت از آن مصاحبه را نقل می کنیم:

"طبق گزارش داخلی وزارت کشور، در سر کشور تنها دومیلیون نفر در انتخابات شرکت کردند. این مسئله اهمیت زیادی دارد: مردم از خمینی پیروی نکردند."

بخش فکرمی کردم که شکست خمینی این چنین بزرگ باشد. چندین بار "مجاهدین" از من خواستند که انتخابات را تحریم کنم. اما من مردد بودم و تنها در آخرین روز تصمیم به تحریم گرفتم و اعلامیه ام از رادیو مجاهدین پخش شد."

"مشاورانم وهمینطور مجاهدین بمن گوشزد کردند که: سرنوشت شما اینست که زنده بمانید. مردم با تحریم گسترده انتخابات ریاست جمهوری نشان دادند که به شما وفا دار مانده اند. ایران بشما نیاز دارد!" در پاسخ به این سؤال که چه چیز سبب شد تا به مقاومت فعال نظامی علیه خمینی بپردازید، پاسخ داد:

"در آغاز خیال داشتم که سیاوش ایران جدید بشویم (( پس از شرح داستان سیاوش اضافه می کند: )) در اینجا بود که زخم شوریید و گفت: چرا بجای سیاوش، رستم نباشی. همسر هرگز به خمینی اعتماد نکرد حتی قبل از اینکه خمینی به تهران برسد. گفتم: او آدم صادق و راستگویی نیست"

بنی صدر در ۷ اوت ۸۱ نامه ای در پاسخ به مصاحبه بختیار که (در لوموند ۳۱ ژوئیه چاپ شده بود) او را متهم به شرکت در تمام جنایات رژیم خمینی دانسته بود، می نوشت که اینها اتهامات را رد کند. "دفاعیات" بی سروته بنی صدر، که هیچ چیز را اثبات نمی کند، در اینجا مورد نظر ما نیست. عبارت زیر در آن نامه از همه جالبتر است:

"من هنوز برای عقیده ام که استقلال ایران جز در محدوده ای اسلام امکان پذیر نیست"

روزنامه لوماتن در ۸ اوت ۸۱، عکسی از هادی غفاری، فالانژ معروف ایرانی چاپ کرده است. غفاری عکسی از روحانیونی را در دست دارد که

باید " پاکسازی " شوند. روزنامه لوماتن در مورد شرکت غفاری در مراسم تشییع جنازه دوهرتی (آخرین

تربانی اعتماد غذا در ایرلند ) و سفرهای مرموز او در فرانسه ، انگلستان و ایرلند ، نتیجه می گیرد که این " ملای جوان " در صدد است که شبکه های تروریستی در اروپا علیه مخالفان رژیم در خارج بوجود آورد .

روزنامه لوماتن در همین شماره می نویسد : حدود سی هزار پاسدار ( بدون محاسبه پاسدارانی که در جبهه های جنگ هستند ) ، علی رغم واحدهای جدیدی که در شهرهای بیش از ۵ هزار نفر ایجاد شده و واحدهای هزار نفری که در شهرهای بزرگ وجود دارد ، قادر نیستند از عهده مخالفین رژیم برآیند . . . روزنامه " آزادگان " پیشنهاد کرده است که برای خنثی کردن تلاشهای مخالفین باید محافظان شخصی و حرفه ای برای رهبران انتخاب کرد تا (( مانند پاسداران )) با شلیک اولین گلوله فرار نکنند .

مسموم رجوی ، مصاحبه ای با خبرنگار تلویزیون آلمان غربی انجام میدهد ( که ترجمه فارسی آن در " نشریه شماره یک انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه چاپ شده است ) . رجوی در پایان مصاحبه پناهی برای مردم آلمان می فرستد :

" رژیم خصمی هم مانند رژیم شاه که به خشونت و وحشیگری عادت دارد ما را شرور نیست ، انارشیست و مارکسیست اسلامی خطاب می کند و با جاسوس این یا آن ابر قدرت می نامد . . . خواهش من اینست که افکار عمومی مردم آلمان این چیزها را بساز نکند . ما تروریست نیستیم ، ما خواستار استقلال کشورمان هستیم . . . و در عین حال با همزیستی مسالمت آمیز با تمام دولتها

و ملتها موافقت داریم " ( تاکید از ماست )

بهنگام خروج اتباع فرانسوی از ایران ، یک هواپیمای آفرانس به ایران آمد . قبل از سوار شدن فرانسویان ، اسدالله لاجوردی ، دادستان زندان اوین بقول روزنامه لوماتن ( ۷ اوت ۸۲ ) بهایستکار شخصی " اش خود را به فرودگاه رساند و از حرکت هواپیما جلوگیری کرد و " این عمل مورد اعتراض مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت " و بدینگونه ، سفر اولین گروه فرانسویان ۵ روز به تاخیر افتاد .

یکی از فرانسویان ، که با اولین دسته از ایران خارج شده ، در هواپیما به خبرنگار " لوماتن " ، که در فرانکفورت سوار همسان هواپیما شده بود ، گفت :

" آنچه در ایران میگردد ، جدالی است بین خود ایرانیان . . . وقتی که چند هفته پیش در بمب گذاری ۷۴ تن از رهبران اسلامی کشته شدند ، کارگران کارخانه ای من خود را خوشحال و سبکیال احساس میکردند . همه چیز دارد عوض می شود : در تهران دوباره دخترها شلوار جین می پوشند و خود را آرایش می کنند ، کارگرانی که ریش گذاشته بودند تا مذهبی جلوه گر شوند ، ریش های

خود را دوباره زده اند . ( لوماتن ، ۱۱ اوت ۸۱ ) .

اریک رولو ، فرستاده مخصوص روزنامه لوموند به تهران ، پس از بازگشت خود به پاریس ، سلسله مقالاتی تحت عنوان " انقلاب و ضد انقلاب " از تاریخ ۲۲ ژوئیه ۸۱ ( ۳۱ تیر ۶۰ ) به بعد در شماره انتشار داده است . آنچه در زیر می آید چکیده ای است از اولین مقاله این سلسله مقالات . نویسنده پس از اشاره به وضع اقتصاد در حال پاشیدگی رژیم ، کمبود و جیره بندی مواد غذایی و بنزینی می نویسد :

" این محدودیت و کمبود برای کسانی که بتوانند قیمت آنها را پرداخت کنند ، وجود ندارد " . و اضافه می کند که :

" سیگارهای آمریکایی با باندول عراقی در بازار سیاه بفروش میرسد و با اینکسه جمهوری اسلامی با کشورهای اردن ، عربستان و مراکش بعلت " حمایت از عراق متجاوز " قطع رابطه کرده است . " بطور بساوار نکردنی ، روابط سیاسی ایران و عراق هنوز قطع نشده است بدین علت که ایران و عراق رسماً بهم اعلام جنگ نداده اند " .

نویسنده در باره جنگ ایران و عراق می نویسد : " این جنگ نه گسترش یافته و نه عملیات چشم گیری صورت گرفته است . از منحنی تغییرات بسیار ناچیز که بگذریم ، از نه ماه پیش به اینطرف ، جبهه ها وضع ثابتی داشته اند و علیرغم زیرومپها که در مدت ده ماه جنگ بچشم خورده ، تعادل نیروها حفظ شده است . عراق همچنان در هزار کیلومتر مرز بین دو کشور ، نواری به عرض ۵ تا ۳۰ کیلومتر از خاک ایران را در اختیار دارد . در خرمشهر و آبادان - شهر اخیراز سه طرف در محاصره است - ، شهرهای کوچک جریان دارد بی آنکه تغییری در مواضع طرفین بوجود آید . قصر شیرین که جدا به بغداد از آن می گذزد ، از طرف عراقی ها بصورت دژ مستحکم و تسخیر ناپذیری درآمد است که ایرانیها در یک آینه قابسل پیش بینی ، قادر به باز پس گرفتن آن بنظر نمیرسند " .

فرستاده مخصوص لوموند در ایران می نویسد : " قدر مسلم نیروهای ایرانی میتوانند در مقابل اشغالگران مقاومت کنند ولی قادر نیستند که آنها را از خاک جمهوری اسلامی بیرون برانند " .

اریک رولو ، پس از اشاره به جنگ در کردستان و مقاومت بیش از پیش گسترده کردها ، اضافه می کند که " در سیستان و بلوچستان نیز وضع بحرانی و تهدید آمیز است . پس از کشته شدن ۳۳ نفر از نیروهای دولتی در ماه گذشته ، تعداد چریکهای (( سلطنت طلب )) بلوچ در حال حاضر هزار نفر است و مقامات جمهوری اسلامی پیش بینی می کنند که تعداد آنها تا پایان سال جاری به هفت هزار

اخبار

اند. طبق مقررات فرمایشی ، افرادی که از ساعت ۸/۳۰ شب بیعد در خیابانها دیده شوند، دستگیر و به مقر سپاه پاسداران برده میشوند ، و در آنجا مورد بازجویی قرار می گیرند. بهانه‌ی این کار نیز " پیدا کردن نشریه و خرابکاری " قلمداد میشود. جالب اینجاست که مقر پاسداران سرمایه در S. S. ( اس . اس ) است که الحق نامیست مناسب حال فاشیستهای مستقر در این محل . بالاخره از حق نباید گذشت که این جنایتکاران چیسوزی از اسلاف هیتلری خود کم ندارند و بلکه به همان درجه وحشی و کثیف هستند و به مانند آنان نیز دست خود را تا مرفق در خون مردم آلوده ساخته اند.

■ شب ۲۲ مرداد ماه ، هنگامیکه تعدادی از کارگران پیمانکار به اضافه کاری مشغول بودند ، پاسداران سرمایه خواستار نام و مشخصات کامل آنها میشوند. بعضی از کارگران از دادن مشخصات ظفره میروند و حتی یکی از ایشان اعتراض کرده و خواستار توضیح راجع به علت هجوم آسانهای آیین جندان می گردد. ششولبندها پاسدار نیز کوه همواره درصدد خاموش کردن هر صدای اعتراض هستند، او را دستگیر می کنند و پس از مراجعه به کارفرما و گرفتن لیسیت آسانی که در اثر عدم همکاری کارگران موفق به تهیه آن نشده بودند ، کارگر مذکور را آزاد میسازند، ولی او دیگر حاضر به ادامه کار در پس سرچشمه نشده و به شهران منتقل می گردد.

دیگر دست پاسداران سرمایه که در طی دو سال و نیم گذشته بارها کارگران بییکار ، اعتصابی و متحصن را به گلوله بسته اند ، زو شده است. کارگران میهن ما بی به ماهیت جنایتکارانه ای این حامیان سرمایه و ارگان سرکوب دولتی سرمایه داری پی برده اند و چه خوب با آنها رفتار می کنند. و این هنوز در حالیکه اسلحه و سر نیزه در دست پاسداران سرمایه است. وای به روزی که معادله برعکس شود و کارگران مسلح شوند.

■ جندی قیل نگهبان یکی از شرکت ها به " جرم " پوشیدن شلوار کردی دستگیر شده است و از وی تعهد گرفته اند که دیگر لباس محلی خود را نپوشد.

بیچاره پاسداران سرمایه که حتی از شلوار کردی وحشت دارند! بهرحال ، پس از آنهمه جنایت که آنها در حق خلقهای فهردان ایران و به ویژه خلق کرد مرتکب شده اند ، باید هم از هر چه نشان از خلق کرد دارد بترسند. کابوس انتقام و محازات برای جنایات کثیفشان ، لحظه ای این پاسداران زبون و عاجز را تنها نمی گذارد.

■ خانه های کاراوانی که مخصوص سکونت افسراد مجرد است ، هرچند شب یکبار مورد یورش پاسداران سرمایه واقع میشود. در آخرین یورش ، ۴ نفر به دلیل نامعلوم دستگیر شده اند.

**ایران و ...**  
نظر خواهد رسید". خبرنگار لوموند، پس از بررسی مسئله خرید سلاحهای جنگی توسط جمهوری اسلامی از قاچاقچیان بین المللی و " رو دست خوردن " های آن ، می نویسد:

رژیم گذشته ایران از نظر میزان سلاحها و تجهیزات نظامی به عراق برتری مطلق نداشت ولی در حال حاضر تعداد هواپیما های ایران نصف تعداد هواپیما های عراق و تعداد تانکهای آن قریب یک پنجم تانکهای عراقی است. و از این نظر است که حملات هوایی و زمینی رژیم جمهوری اسلامی فروکش کرده است و جنگ را اکنون نه نیروهای نظامی بلکه عمدتاً نیروهای غیر منظم نظیر پاسداران، لنگلنگان، دنبال میکنند."

و نتیجه می گیرد:  
" اگر قبول کنیم که پول عصب جنگ است ، در اینحال شکست جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر خواهد بود."

در همین زمینه پس از بررسی و مقایسه وضع اقتصادی و ذخایر ارزی دو کشور ، می نویسد:  
" ذخایر ایران در ماه ژانویه (( دیماه ۵۹، پس از آزاد کردن گروگانها )) ، یا معاصه سه میلیارد دلاری گسه از آزادی گروگانها بدست آورده ، در حدود ۴ میلیارد دلار بوده است در حالی که ذخایر ارزی عراق در حال حاضر بین ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار می باشد."

مفسر لوموند پس از ارائه دلایل مربوط به اینکه در حال حاضر جمهوری اسلامی قادر به فروش نفت بیش از میزان کنونی و در نتیجه کسب درآمد بیشتر برای جبران هزینه های جاری خود نخواهد بود مگر اینکه قیمت نفت خود را ب میزان قابل توجهی پائین بیاورد، تا بلوی تیره ای از وضع اقتصادی جمهوری اسلامی بدست میدهد:

" مسئله درآمد برای جمهوری خمینی ، مسئله مرگ و زندگی است. نه فقط برای تامین هزینه های جنگی بلکه بویژه برای تضمین ادامه حیات رژیم و یا نجات از ورشکستگی اقتصادی. صنایع بعد از انقلاب کمتر از ۴۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند. کشاورزی ورشکسته است. رشد در آمدخالص ملی پس از انقلاب بیش از سی درصد کاهش یافته است. بدون در نظر گرفتن یک یا دو میلیون آواره جنگی ، تعداد بیکاران بنا به ارزیابی های متفاوت ، بین ۲/۵ تا ۴ میلیون نفر است. نرخ رسمی تورم ، ۲۰ درصد است ولی قیمت برخی از مواد اساسی در ظرف چند ماه ، دو یا سه برابر شده است. نا رضایتی اجتماعی بطور خطرناکی در حال گسترش است. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که " وضع عادی " در تهران چیزی جز صورت ظاهری از یک واقعیت پیچیده نیست."

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا